



در آستانه

ششمین سال

خدای را سپاسگزاریم که با امداد و توفیق الهی و همت و یاری همراهان نیکدل آینه پژوهش پنجمین سال انتشار را گذراند و اکنون آغازین شماره ششمین سال آن با دیگر سانیها و دیگر گونیهایی، فروتنانه به ساحت ارجمند خانواده مطبوعات گام می‌نهد. آهنگ کلی مجله یاری‌رسانی به بهسازی پژوهش و نشر بود. از برنامه‌ها و جهت‌گیریهای خرد و کلان این هدف کلی بارها در سرمقاله‌های پیشین سخن رفته است. نقد، بررسی و نمودن کاستیها، کمبودها و کفایت‌های پژوهشها، گو اینکه همواره بخش عظیمی از مجله را ویژه خود ساخته است، اما توجه به ابعاد و اهداف دیگر نیز، که از آنها در آغازین شماره مجله سخن رفته است، همیشه مطمح نظر بوده است. چنانکه پیشتر گفته‌ایم بانیان مجله هرگز بر این باور نیستند که همه آن اهداف را به شایستگی برآورده‌اند، اما اقبال دانشوران و داوریهای پژوهشیان و اظهار نظر ناقدان و عیارگیران نشان می‌دهد که گامهای لرزان آن در میدان تحقیق مقبول طبع جامعه علمی و صاحب نظران افتاده است. اکنون بر آنیم که به برخی از آنچه در اهداف مجله آمده اشارتی کنیم و اندکی از آنچه را در سرمقاله‌های

پیشین آمده، به گونه‌ای دیگر باز گویم.

۱. در شماره اول و پس از آن بارها، درباره نقد و لزوم نقادی آثار سخن گفته‌ایم. بر این باور بوده و هستیم که به گفته باغبان بزرگ «گلستان» ادب فارسی و برآورنده نکته دان و شیرین کلام «بوستان» سخن فارسی، شیخ اجل افصح المتکلمین، سعدی «متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد». در آغاز کار، مجله با برخوردها و رویاروییهای سخت و ناهنجاری مواجه بود، اما اکنون به لطف خداوند وضع دیگر شده است؛ تا حدود زیادی قبیله اهل قلم اهمیت نقد را دریافته‌اند و نه تنها از عیارگیری آرا و اندیشه‌هایشان بر نمی‌آشوبند، که بر آن ارج می‌نهند و نقد و نقادی را سپاس می‌گزارند. در این زمینه اخیراً آثاری از مراکز مهم فرهنگی و آموزشی نقد شده است. با این باور که این آثار با مخاطبان بسیاری که دارد، باید هرچه دقیقتر، استوارتر و پخته‌تر باشند. جای بسی شادمانی است که مسؤولان این مراکز چونان برخی از تنگ‌سینگان گرانجانی نکردند و با گشاده‌رویی از آن نقدها استقبال کردند. بر آنیم که این شیوه را ادامه دهیم و از این رو از قبیله اهل قلم دعوت می‌کنیم که در نقد و معرفی متون درسی (حوزوی و دانشگاهی) و بر نمودن کفایتها و کمبودهای آن قلم زنند و از این راه به بهبودی و کارآمدی و سودمندی این آثار یاری رسانند. و بیفزاییم که بر زبان فاخر، نشر استوار، تعبیر سلیم و به دور از درشتگویی تأکید داریم. تلخگویی را که بی‌گمان در تلخ‌اندیشی ریشه دارد، روا نمی‌دانیم تا حرمت قلم پاس داشته شود و ارج و جایگاه پژوهش فرو نهد. و اگر گاهی چیزی برخلاف آنچه آمد بر قلم رفته است به پیشگاه «قلم» و خادمان «قلم» عذر تقصیر می‌بریم و از فرهیختگان و پاکیزه‌خویانی که این موارد را بدون مجامله و از سر لطف یاد کرده‌اند، سپاسگزاریم.

۲. در یکی از شماره‌های مجله (سال اول، شماره دوم)، به شرح‌های نوآیین و سست بنیاد بر متون درسی حوزوی اشاره کردیم و اندکی از پیامدهای این گونه شرحها و ناهنجاریهای آن را گفتیم. اکنون نیز بر آن تأکید می‌ورزیم و از باریک بینان و هوشمندان حوزوی می‌خواهیم که چندی و چونی این گونه شرحها را به دایره نقد بریزند و فرق فارق کتابهای کمک درسی لازم و

مترجم محترم کتاب «تبصرة المتعلمين» در معرفی آن نوشته اند: کتاب تبصرة المتعلمين که حقیقتاً، جامع ترین و منقح ترین کتاب در فن خود می باشد. روشن است که مترجم محترم از آثار فقهی آگاهی دارد و چگونگی آنها را می شناسد. اگر وی اندکی تأمل می کرد درمی یافت که این کتاب نه تنها جامعترین و منقحترین کتاب فن فقه نیست، که جامعترین و منقحترین کتاب فقهی علامه حلی نیز نیست.

رها سازی قلم و باری به هر جهت نویسی نتیجه ای جز این ندارد. بگذریم که تبصرة المتعلمين پیشتر ترجمه ای استوار و شایسته داشته است به خامه آیت الله شعرانی رضوان الله علیه.

آنچه یاد شد با توجه به نشر این کتابها و عبارت پردازی آنها بود. نقد و تحلیل و ارزیابی ترجمه متن و شرح و توضیحات این بزرگواران «آسوده شبی خواهد و خوش مهتابی».

۳. از همان آغاز در مجله فصلی گشودیم با عنوان «پژوهشهای در آستانه نشر». در این فصل آثار در دست تصحیح، ترجمه و نشر معرفی گردید تا جامعه علمی از پژوهشهای در دست اجرا آگاه شود و با تکرارهای بی ثمر امکانات بر باد نرود و کتابی بارها ترجمه نگردد و اثری مکرر تصحیح نشود و همتها، وقتها و امکانات بر عرضه آثار برجای مانده صرف گردد. برخی محققان چگونگی پژوهشها و ترجمه ها را در این بخش گزارش کردند و برخی از مراکز تحقیق نیز.

این اطلاع رسانی نتایج نیکی داشت. برخی از شماره های واپسین از این گونه گزارشها تهی بود. محققان و هوشمندانی بر ادامه آن و سودمندی و کارآمدیش تأکید می کردند. متأسفانه عده ای بر اهمیت این اطلاع رسانی توجه ندارند و کسانی نیز - که متأسفانه گاه از بد روزگار و یا نیک آن، که خدا داند، بر امکاناتی وسیع چیره هستند - با گرانجانی از گزارش تن می زنند. کتاب «الدروع الواقیه» همزمان از دو مؤسسه نامور با تحقیق و تصحیح نشر یافت. «اربعین شیخ بهائی» را مؤسسه ای نشر کرد که دیگری در پایان کارهای پژوهشی آن بود. کتاب «اسلام و حقوق بین الملل» با ترجمه و تحقیق نشر یافت و یکی از مؤسسات مهم فرهنگی دیگر

شرح های تنک مایه و سست بنیاد آشفته و غیر لازم، بلکه مضرت، را باز گویند. اکنون به نمونه هایی از نشر این گونه آثار بنگرید. این نمونه ها را از شرحهای یاد شده با حفظ رسم الخط و نشانه های نقطه گذاری می آوریم، با نام کتاب و شماره جلد و صفحه:

الف: تشریح المقاصد فی شرح الفرائد (شرح رسائل شیخ). ج ۱، ص ۱۴: «لازم بتوضیح است مجرد وجود در سابق کافی در جریان استصحاب نمیکند بلکه همانطوریکه مرحوم مصنف اشاره فرموده اند باید وجود سابق مورد لحاظ و اعتبار واقع شود، تا مصحح و مجوز جریان آن بشود».

ب: النضید فی شرح روضة الشهید. ج ۱، ص ۱۷۸: «یعنی اختیار گذاشتن در هر کجای روزهای خون را داشتن، مربوط به ماه اول است و اما در ماههای بعد اگر خون از ده روز گذشته باشد باید عددی را اختیار کرده آن را از آن روز از روزهای خون حساب کند که در ماه اول از آن روز حساب کرده ...»

ج: النضید فی شرح روضة الشهید. ج ۱، ص ۳۰۷ (آخرین سطر این جلد): «یعنی دو قول آخر دلیلی بر آن نداریم و قول اول هم دلیلش روایتی است که این روایت در مقابلش روایات دیگری هست قوی تر از آن که دلیل قوی مصنف و قول اصح می باشد.»

د: المباحث الفقهیه فی شرح الروضة البهیة. ج ۱۶، ص ۷۶: «وجه فرموده این قائل، و اینکه اجرة المثل را به مناط مدت و زمان چرا باید محاسبه کرد این است که اگر شخص حر و آزاده ای را غاصبی غصب کرده، و برای مدتی نگذارد که وی بکار و عمل خویش مشغول باشد پس از رفع غصب و رهائی مقدار مدتی را که در تحت غصب بوده باید در نظر گرفت و سپس آن را به قیمت درآورد و آنگاه از غاصب قیمت حاصل را اخذ نمود و این نیست مگر آنکه اجرة المثل را می باید بحسب زمان در نظر گرفت، پس در اینجا نیز باید چنین محاسبه کرد.»

ه: الکامل فی شرح العوامل. (چاپ اول) ص ۳۹: «با برای بدل نیز می آید مانند: ای کاش قومی داشتم بدل این جماعت و قتیکه سواره می شدند پراکنده می کردند بعلت غارت نمودن اسب سواران و شترسواران را، یا اینکه در حالیکه اسب سوار و شترسوار بودند.»

در حال ترجمه و نشر آن است و ... چرا؟ ان شاء الله این همه نتیجه عدم اطلاع از پژوهشهای یکدیگر است و نه -خدای ناخواسته- برخاسته از خویشتن بینی و خودمردی و ...

۴. درباره نشر آثار مذهبی و چگونگی آن سخن بسیار گفته شده است. متأسفانه هنوز هم بخشی از آثار مذهبی نشر یافته از تنگ مایگی، نشر آشفته، باری به هر جهت نویسی، زمان شناسی رنج می برد و در آثار ارجمند و کارآمد نیز ناشران مذهبی غالباً استانداردهای نشر را مراعات نمی کنند و هرگز بر زیبایی، چشم نوازی، و پاکیزگی و والایی ظاهری آن نمی اندیشند. خوب است آنان که از سر مسؤولیت و درک ضرورت نگاهستن، قلم به دست می گیرند، از سر تأمل، دقت و وسواس بنویسند و سخته نگاری و استواری نویسی را به یک سوی نهند و ناشران نیز ارج رنجهای و تلاشهای مؤلفان را پاس دارند و کتابهایی مذهبی را چشم نواز و فاخر عرضه کنند و جامعه مذهبی نیز بیش از پیش به کتابخوانی روی آورند و کتابخوانی، و فراتر از آن، کتاب پژوهی و دانش پژوهی را جزء زندگی کنند و با لحظات حیات درآمیزند.

۵. گرانی در تمام ابعاد زندگی مسأله روز است؛ اما نباید از نظر دور داشت که گرانی وسایل و ابزار تولید کتاب و نشریه و مآلاً آثار فرهنگی، می رود که به فاجعه بزرگ فرهنگی تبدیل شود. نشریات که باید روزآمد و مستمر نشر یابند و در جهت نشر فرهنگ گامهای بلندی بگیرند، به گونه ای بس شکننده با این مسأله در چالش هستند و به تعبیر برخی از مسؤولان آنها «به سختی نفس می کشند».

برای نشریات هزینه های پست و ارسال نیز پیرایه ای است که بر دشواری نشر می افزاید و در مجموع نشریات را اثر پزنگاه توقف می افکند. بر مسؤولان است که در جهت سامان بخشیدن به نشر بکوشند و در جهت زدودن دشواریهای مسیر کتاب و فرهنگ تلاش کنند. چه کسی است که نداند جامعه کتابخوان را غالباً کسنانی شکل می دهند که تهی هستند و به اصطلاح هشتشان در گروه است. و بعید است که آن بزرگواران ندانند که «تهاجم فرهنگی» را با چند شعار و مقاله شعارگونه در برخی از نشریات نمی توان سد کرد. تلاشی سترگ، حرکتی عظیم

و خیزشی از سر آگاهی و تأمل لازم است و ...
۶. دو مین جشنواره مطبوعات را در روزهای گذشته گذرانیدیم که اقدامی است سودمند و ارجمند. جشنواره امسال با محتوای بهتر، پوشش خبری گسترده تر و آهنگی مطلوبتر برگزار شد.

به برگزارکنندگان و کوشندگان آن دست مریزاد می گویم و این اقدام فاخر فرهنگی را می ستاییم.
آینه پژوهش -سپاس خدای را- در سال گذشته نشریه برگزیده جشنواره اعلام شد و امسال نیز دو مقاله از مجموعه مقالات آن در بخش علمی و تخصصی صاحب جایزه شد. امسال بخشهای مختلف تولید و نشر نشریات مورد تقدیر واقع شدند که اقدامی خداپسندانه بود. خوانندگان باید بدانند که در پس این همه حرفی که بر صفحات نقش بسته و در پیشدید دارند، چه رنجهای و تلاشها و سختکوشیهای نهفته تا مجموعه ای بدین صورت برآمده است. از بسیاری از مؤثران در این وادی گذشته از اینکه نامی نیست که بماند، «نانی» هم نیست که یادکردنی باشد. بی گمان جشنواره کاستیهای داشته است که هرگز با یادکرد آن -که در آغاز راه است- کام کوشندگان را تلخ نخواهیم داشت. حجم عظیم کار در مدتی نه چندان طولانی طبیعی است که ناهنجاریهایی را تحمیل کند. اما هر چه بهتر برگزار شدن آن را آرزو داریم و امیدواریم این حرکت در گسترش ابعاد فرهنگجویی، کتابخوانی و دانش پژوهی سودمند افتد.

دیگر بگذاریم و بگذریم ... با دست مریزاد به همراهان و سپاسگزاری از دانشوران، ناقدان، عالمان و ارجمندان قبیله اهل قلم که ما را در نشر مجله یاری رساندند. ما به خدمتگزاری خادمان علم و فرهنگ و پژوهش مباهی هستیم و امیدواریم نیک اندیشان، فرهیختگان و عالمان قبیله اهل قلم صفحات مجله را از آن خود بدانند و در رسیدن به اهداف بلند آن از هیچ گونه یاری دریغ نوززند.

والله من وراء القصد

آینه پژوهش

